**بسم الله الرحمن الرحیم**

**ضرورت و اهداف حکومت اسلامی در نگاه امام خمینی**

 اسلام برای سعادت، کمال، معنویت و فراهم سازی حیات طیبه‌ی بشر به وسیله حضرت محمد(ص) آمد و پیامبر برای رسیدن به این هدف عالی، یکی از ابزار رهایی را که مورد استفاده قرار داد« تشکیل حکومت » بود، حکومتی که از آن به نام نظام اسلامی یاد می کنیم، این نظام تنها در حد اندیشه و تیوری باقی نماند که در عمل به «سیستم» تبدیل شد و تشکیلات و مقررات خاص خود را در عرصه‌های سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، نظامی و... به وجود آورد. پس از پیامبر (ص)، خلفا و جانشینان، آن نیز در حد مقدورات تشکیل حکومت داده و برای تدبیر امور جامعه اسلامی، هر کدام تشکیلات و مقررات اجرایی را بر مبنای همان اندیشه وحیانی پیامبر ایجاد کردند.

به همین دلیل فقیهان مسلمان غالباً تشکیل حکومت را امر مسلم و اجماعی دانسته اند.

 آیت الله العظمی بروجردی، از اعاظم فقهای شیعه می‌گوید: فقهای شیعه و سنی دراین مورد اتفاق نظر دارند که در جامعه اسلامی وجود سیاستگذار و رهبر دینی که برای تدبیر امور مسلمانان ضروری است، بلکه این امر از ضروریات دین مقدس اسلام می باشد.

 برخی از کار های برجسته و گریخته برخی از فقها، امر تشکیل حکومت و مبانی نظری و طرح‌های عملی و سیستماتیک آن برای قرن‌ها در عرصه فقه و کلام و فلسفه‌ی سیاسی اسلام مغفول ماند و یا حداقل اهمیت بایسته خود را از دست داد. «بدلایل این امر خواهیم پرداخت.»

 از اوایل قرن چهاردهم هجری که پس از هجوم سیاسی ـ نظامی غرب رقابت فکری و سیاسی میان غربیان و اندیشه‌وران مسلمان زیاد شد، برخی از فقیهان به این مهم پرداختند، اما چون این موضوع مدت ها در عرصه‌ی نظر و عمل متروک مانده بود، و از سویی با موانع فراوان سیاسی مواجه بود، پردازش آن کار سهل و آسانی نبود، از این رو رویکرد فقیهان به این مسئله غالباً جزیی، ناقص و ناخوانا بود.

 هنر امام خمینی (ره) این بود که اندیشه حکومت اسلامی را در عرصه نظری به صورت مبسوط و مشبع، مطرح ساخته و مبانی، اهداف، غایات و اصول آن را به قول فقها منقح ساخت و زمانی که توفیق اجرا یافت، در عرصه عمل، « نظام » را به « سیستم » تبدیل کرده و طرح اجرایی آن را پی ریخت.

**ضرورت بر پایی حکومت اسلامی**

 امام خمینی (ره) پس از بیان ضرورت وجود حکومت در تمام جوامع بشری و با توجه به این اصول مسلم که اولاً احکام و قوانین اسلامی برای سعادت، کمال، نورانیت و تهذیب انسان آمده است؛ و ثانیاً اجرای این احکام و قوانین و ترویج ارزش های اسلامی و نیز حفظ جامعه اسلامی از سقوط و هرج و مرج، ممکن نیست. مگر به واسطه ی برپایی و اقامه حکومت اسلامی؛ از این روی استقرار حکومت اسلامی، با شرایط خاص خودش را از اوجب واجبات می دانست و می فرمود:

 اجرای تمام احکام و قوانین اسلامی متوقف به استقرار و اقامه و حفظ حکومت اسلامی است، لذا می‌فرماید:«نه تنها اجرای حدود به این امر بستگی دارد، بلکه همین عباداتی نماز و روزه و حج و امثال این ها نیز به وجود حکومت صالح بستگی دارد، چون در حکومات ناصالح و غیر اسلامی، افراد همین عبادات را به صورت فردی نیز نمی توانند بخوبی انجام دهند، به همین دلیل است که می گوییم اقامه حکومت اسلامی از اوجب واجبات است.»

 و در جایی دیگر می گوید: «اقامه حکومت اسلامی از اقامه نماز و روزه هم ضرورت و وجوبش بیشتر است چون اجرای تمام احکام نورانی اسلام متوقف بر اقامه حکومت است.»

 امام اثبات ضرورت و وجوب اقامه حکومت را با دو مبنای فقهی و کلامی مورد بحث قرار داده و گاهی به فلسفه ی سیاسی نیز اشاره هایی دارد، دلایل فراوانی ارایه می کند که از جمله آن‌هاست:

1. جلو گیری از ناامنی و هرج؛

2. لزوم رفع ظلم و ستم و دفاع از مظلومان؛

3. نیاز اجرای احکام اسلام به حکومت؛

4. ضرورت استمرار اجرای احکام به حکومت؛

5. سنت رسول خدا و جانشینان در تلاش برای ایجاد حکومت؛

6. وجود دلایلی نقلی که بر ضرورت حکومت تاکید دارند؛

 باید یاد آور شد که قدرت سیاسی از نظر امام تنها یک وسیله و ابزار است برای تحقق اهداف مقدس یاد شده؛ همچنین حضرت امام، ضرورت تشکیل حکومت و استقرار قدرت سیاسی را مستند به حکم عقل و شرع و غایات قدرت سیاسی را چهار چیز می داند:

1. برقراری نظم و امنیت؛

2. برقراری و تأمین عدالت؛

3. تهذیب نفوس و تأمین سعادت انسانها؛

4. کسب و نگهداشت قدرت سیاسی؛»

 باید یاد آور شد که قدرت سیاسی از نظر امام تنها یک وسیله و ابزار است برای تحقق اهداف مقدس یاد شده؛ ورنه هیچ ارج و بهایی ندارد و طالب آن هر قدم به سوی پرتگاه نابودی و هلاکت نزدیک می‌شود.

 عهده‌دار شدن حکومت فی نفسه دارای شأن و مقامی نیست، بلکه وسیله‌ی اجرای احکام و برقراری نظام عادلانه اسلام است.